



RESEARCH ARTICLE

Virtue Ethics Guidelines for Conflict of Interest Policy making

Mostafa Abbasi^{1*}, Mohammadreza Atarodi², Reza Akbari³

1. Ph.D student of Public Administration, Faculty of Islamic Education and Management, Imam Sadiq University, Tehran, Iran

* Corresponding Author's Email: 11mostafa.abbasi@gmail.com

2. Assistant Professor of Public Administration, Faculty of Islamic Education and Management, Imam Sadiq University, Tehran, Iran

Email: atarodi@isu.ac.ir

3. Professor of Islamic Philosophy and Kalam, Faculty of Islamic Culture and Guidance, Imam Sadiq University, Tehran, Iran

Email: re.akbari@isu.ac.ir

 <https://doi.org/10.22059/jppolicy.2025.105202>

Received: 31 August 2025
Accepted: 1 November 2025

ABSTRACT

The ultimate goal of the research is to lay the groundwork for conflict of interest policymaking in the country. Therefore, first, an attempt is made to express guidelines from a virtue-oriented perspective in moral philosophy for conflict of interest in governance. The research path is that, inspired by the methodology of semantic research, it first proposes two general contributions: "moral virtues" and "exemplification". In the next step, through the intersection of these contributions with the elements of the theoretical framework of conflict of interest, guidelines are compiled that identify and introduce 14 effective moral virtues in conflict of interest policymaking, which are important parts of these guidelines. These moral virtues are: honesty, practical wisdom, justice, courage, humility, compassion, responsibility, trustworthiness, self-control, generosity, patience, transparency, impartiality, and independence. The article shows that by pushing public sector agents towards these guidelines, potential conflicts of interest will be controlled more optimally.

Keywords: Conflict of interest, policy making, virtue ethics, guidelines, Implication Studies.

Citation: Abbasi, Mostafa; Atarodi, Mohammadreza, Akbari, Reza (2025). Virtue Ethics Guidelines for Conflict of Interest Policy making. *Iranian Journal of Public Policy*, 11 (4), 94-109.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jppolicy.2025.105202>

Published by University of Tehran



This Work Is licensed under a [Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International \(CC BY-NC 4.0\)](https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/)



مقاله پژوهشی

رهنمودهای اخلاق فضیلت برای سیاست‌گذاری تعارض منافع

مصطفی عباسی^{*۱}، محمدرضا عطاردی^۲، رضا اکبری^۳

۱. دانشجوی دکتری مدیریت دولتی، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران
* رایانامه نویسنده مسئول: l1mostafa.abbasi@gmail.com

۲. استادیار مدیریت دولتی، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران
رایانامه: atarodi@isu.ac.ir

۳. استاد الهیات، دانشکده الهیات، معارف اسلامی و ارشاد، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران
رایانامه: re.akbari@isu.ac.ir

 <https://doi.org/10.22059/jppolicy.2025.105202>

تاریخ دریافت: ۹ شهریور ۱۴۰۴
تاریخ پذیرش: ۱۰ آبان ۱۴۰۴

چکیده

هدف نهایی پژوهش، زمینه‌سازی برای سیاست‌گذاری تعارض منافع در ایران است. این پژوهش با بحث و بررسی ادبیات علمی حوزه اخلاق فضیلت و تعارض منافع و با الهام از روش‌شناسی دلالت‌پژوهی، در ابتدا دو سهم‌یاری کلی «فضائل اخلاقی» و «الگوگرایی» را مطرح می‌کند. در گام بعدی از طریق تقاطع این سهم‌یاری‌ها با عناصر چهارچوب نظری تعارض منافع، رهنمودهایی احصا می‌شود که شناسایی و معرفی ۱۴ فضیلت اخلاقی مؤثر در سیاست‌گذاری تعارض منافع از بخش‌های مهم این رهنمودهاست. این فضائل اخلاقی عبارت‌اند از: صداقت، عقل عملی، عدالت، شجاعت، فروتنی، شفقت، مسئولیت‌پذیری، امانت، خودکنترلی، سخاوت، صبر، شفافیت، بی‌طرفی و استقلال. مقاله نشان می‌دهد با سوق دادن کارگزاران بخش عمومی به سمت این رهنمودها تعارض منافع احتمالی به شکلی بهینه‌تر کنترل خواهد شد. بدین ترتیب زمینه‌سازی مناسبی برای تدوین و ارائه چهارچوب سیاست‌گذاری تعارض منافع در کشور ایجاد می‌شود.

واژگان کلیدی: تعارض منافع، سیاست‌گذاری، اخلاق فضیلت، رهنمودها، دلالت‌پژوهی.

استناد: عباسی، مصطفی؛ عطاردی، محمدرضا؛ اکبری، رضا (۱۴۰۴). رهنمودهای اخلاق فضیلت برای سیاست‌گذاری تعارض منافع. فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی، ۱۱ (۴)، ۹۴-۱۰۹.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jppolicy.2025.105202>



ناشر: دانشگاه تهران

مقدمه

امروزه معضل فساد در نظام حکمرانی، یکی از چالش‌های مهم است؛ چرا که این پدیده، منجر به ناکارآمدی، مانع پیشرفت و تحقق عدالت، عامل تبعیض و نیز تضعیف اعتماد عمومی به حکومت‌هاست. از طرفی می‌توان فساد را کنش آگاهانه کارگزاران بخش عمومی در موقعیت‌های تعارض منافع دانست. به تعبیر دیگر تعارض منافع عنصر و هسته اصلی شکل‌دهنده فساد است. (Abbasi & Atarodi, 2024) بخش عمومی به صورت جدی با تعارض منافع مواجه است. چهارچوب‌های نظارتی سنتی، اگرچه ضروری هستند، اما اغلب در پرداختن به تفاوت‌های ظریف این تعارض‌ها کوتاهی می‌کنند. فلسفه اخلاق فضیلت - با محوریت شخصیت و منش اخلاقی - روزه‌ی امیدوارکننده‌ای برای مدیریت چنین مسائلی ایجاد می‌کند. از جنبه کاربردی، به‌کارگیری رهنمودهای اخلاق فضیلت می‌تواند رویکردی فعالانه و شخصیت‌محور برای مدیریت تعارض منافع ارائه‌دهد و در نتیجه حکمرانی اخلاقی را تقویت کند. همچنین از طریق رهنمودهای اخلاق فضیلت می‌توان اعتماد عمومی به نهادها را بهبود بخشید. ضمناً، این تحقیق می‌تواند زمینه‌ساز چهارچوب خط‌مشی و نیز راهنمای توسعه دستورالعمل‌هایی باشد که مکمل قوانین موجود، با تمرکز بر پرورش فضائل و سلامت اخلاقی در مورد کارگزاران دولتی است. بدین ترتیب به نظر می‌رسد ادغام رویکرد اخلاق فضیلت با رویکردهای موجود بتواند به سازوکارهای فعلی برای سیاست‌گذاری تعارض منافع کمک کند و آن را بهبود دهد. این تحقیق، کاربرد اخلاق فضیلت را فراتر از بحث‌های نظری گسترش می‌دهد و به ادبیات اخلاق عملی کمک می‌کند. بدین ترتیب می‌تواند شکاف‌های نظر و عمل را کاهش دهد. همچنین می‌تواند با گنجانیدن اخلاق فضیلت در گفتمان اخلاق بخش عمومی، رویکردهای حل تعارض منافع را متنوع کرده و به رویکردهای موجود می‌افزاید. از طرفی افزایش پیچیدگی‌های حکمرانی مدرن، نیاز به چهارچوب‌های اخلاقی را بیشتر برجسته کرده است و اقدامات قانونی و رویه‌ای موجود اغلب ظرافت‌های شخصیت فردی و ملاحظات اخلاقی را در حل تعارض منافع در نظر نمی‌گیرند. بنابراین میتوان گفت شکست سازوکارهای فعلی و در نظرنگرفتن مباحث اخلاقی، ضرورت لازم برای تحقیق حاضر را مشخص می‌کند. پژوهش حاضر با هدف نهایی مبارزه با فساد و مدیریت تعارض منافع در بخش عمومی به یافتن رهنمودهای اخلاق فضیلت برای مدیریت تعارض منافع در بخش عمومی می‌پردازد و به شناسایی فضائل کلیدی مؤثر منجر می‌شود. بدین ترتیب این تحقیق می‌تواند گام مهم و زمینه‌ساز برای ایجاد چهارچوب برای به‌کارگیری اخلاق فضیلت در سناریوهای مدیریت تعارض منافع و ارائه توصیه‌های عملی برای سیاست‌گذاران و مدیران دولتی باشد. این پژوهش فرضیه‌آزمای نبوده و بر پایه سوال‌ها استوار است؛ فلسفه اخلاق فضیلت چه رهنمودها، دلالت‌ها یا کاربردهایی برای مدیریت تعارض منافع در بخش عمومی دارد؟ به عبارتی دیگر چگونه می‌توان فلسفه اخلاق فضیلت را برای مدیریت تعارض منافع در بخش عمومی به‌کار برد یا از آن استفاده کرد؟ پژوهش حاضر از نوع نظری است و روش به‌کاربرده‌شده در آن برگرفته از روش‌شناسی دلالت‌پژوهی (Danaei-Fard, 2016) است که در فرآیندی مرحله به مرحله، تکمیل و به سرانجام می‌رسد.

ادبیات نظری و پیشینه پژوهش

الف. اخلاق فضیلت

بحث اخلاق فضیلت در کتب فیلسوفان پیش از میلاد به طور گسترده مطرح شده است. گرچه این نوع تفکر تقریباً با نام ارسطو پیوند خورده است اما منحصر به او نبوده و رهیافتی است که سقراط، افلاطون و بسیاری دیگر از متفکران باستان اتخاذ کرده‌اند (Rachels, 2021, pp. 283-284) این رهیافت ارسطویی به اخلاق، که گاه اخلاق شخصیت یا اخلاق فضیلت نامیده می‌شود. به‌خلاف رهیافت‌های عمل‌محور در این رهیافت، تمرکز بر آنچه سبب درستی یا نادرستی اعمال می‌شود نیست، بلکه بر افراد و شخصیت اخلاقی آن‌هاست. متعلقان به این سنت به جای پرسیدن این سوال که «چه باید بکنم؟» می‌پرسند «باید سعی کنم

چگونه شخصی باشیم؟» این موضع به زندگی اخلاقی از زاویه دیگری می‌نگرد (Hinman, 2023, p. 25). ادغام اخلاق فضیلت کلاسیک با الهیات مسیحی در دوره قرون وسطی اتفاق افتاد که توسط شخصیت‌هایی مانند توماس آکویناس و امبروز میلان رهبری می‌شد. آکویناس چارچوب ارسطو را توسعه داد و فضایل الهیاتی - ایمان، امید و نیکوکاری - را به عنوان مکمل فضایل طبیعی مانند احتیاط، عدالت، صلابت، و اعتدال معرفی کرد (Aquinas, 1947/1265-1274 CE). او استدلال کرد که در حالی که فضایل طبیعی منجر به شکوفایی زمینی می‌شود، فضایل الهیاتی روح را به سوی اتحاد با خدا هدایت می‌کند. امبروز میلانی، (قرن چهارم میلادی)، به طور مشابه اخلاق کلاسیک را با دکتترین مسیحی ادغام کرد. امبروز با الهام گرفتن از سیسرو، بر فروتنی، نیکوکاری و تقوا به عنوان فضیلت‌های اصلی تأکید کرد که نشان دهنده تعهدات اخلاقی یک زندگی مسیحی است. کار او بر ابعاد اشتراکی و رابطه‌ای اخلاق فضیلت تأکید کرد و اهمیت عشق و خدمت را برجسته کرد (Ambrose, trans. 2001). این چهارچوب قرن‌ها بر اندیشه‌های اخلاقی غربی تسلط داشت، اما در دوران روشنگری (رنسانس) اهمیت خود را از دست داد. تأکید در این عصر بر نظریه‌های وظیفه‌گرایی (کانت) و فایده (سود)گرایی، اخلاق فضیلت را تا احیای آن در قرن بیستم به حاشیه برد، زمانی که متفکران اصول بنیادی آن را بازنگری کردند. به این صورت که در اواسط قرن بیستم مقاله «فلسفه/اخلاقی مدرن» منجر به/احیای اخلاق فضیلت شد و سلطه چهارچوب‌های وظیفه‌گرایی و فایده (سود)گرایانه را به چالش کشید. او از اتکای اخلاق مدرن به مفاهیم منسوخ مانند «قانون اخلاقی» انتقاد کرد و خواستار بازگشت به تمرکز ارسطو بر شخصیت اخلاقی شد (Anscombe, 1985). این کار زمینه را برای تحولات بعدی در اخلاق فضیلت فراهم کرد. بدین ترتیب تعدادی از فیلسوفان بر این اعتقاد شدند که فلسفه اخلاق جدید بی‌فایده است و برای نجات این موضوع باید به شیوه تفکر ارسطو بازگشت. همان طور که بیان شد این نظر نخستین بار در سال ۱۹۵۸ مطرح شد و پس از آن چندی نگذشت که نظر عمده در فلسفه اخلاق معاصر شد. یکی از مزایای این نظریه، جذابیت آن از جهت انگیزش اخلاقی است. زیرا تبیینی طبیعی از انگیزش اخلاقی به دست می‌دهد. نظریه‌های دیگر در باب این قضیه ضعیف هستند (Rachels, 2021, pp. 285-286). کتاب «بعد از فضیلت» استدلال می‌کند که عصر روشنگری منجر به تکه‌تکه شدن گفتمان اخلاقی و در نتیجه احساس‌گرایی شد - این ایده که قضاوت‌های اخلاقی صرفاً بیان ترجیحات هستند. او از بازگشت به اخلاق فضیلت ارسطویی حمایت کرد و بر اهمیت روایت و سنت در شکل دادن به ادراک اخلاقی تأکید کرد (McIntyre, 1981). برخی دیگر از اندیشمندان اخلاق فضیلت را به عنوان جایگزینی معاصر برای نظریه‌های مبتنی بر قاعده توسعه دادند (Hursthouse, 1999). در کتاب‌های «یکی طبیعی» و «اخلاق فضیلت»، فضایل در واقعیت‌های طبیعت‌گرایانه زندگی انسانی پایه‌گذاری و استدلال می‌شود که آنها راهنمایی معنادار برای تصمیم‌گیری اخلاقی ارائه می‌کنند. همچنین معتقد بودند که فضایل به افراد اجازه می‌دهد تا از طریق خرد عملی، از طریق تئوری و عمل، از معضلات اخلاقی عبور کنند (Ibid). همچنین نقش اخلاق فضیلت در شکل‌دهی هویت اخلاقی و خودخواهی بررسی شد و بر زمینه‌های تاریخی و فرهنگی که از رشد اخلاقی فردی خبر می‌دهد، تأکید و استدلال شد که فضایل برای درک ارزش‌های شخصی و جمعی ضروری هستند (Taylor, 1989). برخی دیگر با بررسی رابطه پیچیده بین اصول اخلاقی، ویژگی‌های شخصیتی و اعمال، سهم فلسفی قابل توجهی را ارائه و بررسی کردند که چگونه اصول اخلاقی می‌توانند رفتار را هدایت کنند و چگونه ویژگی‌های شخصیتی ظرفیت اخلاقی فرد را برای عمل مطابق با آن اصول شکل می‌دهد. همچنین در تحلیل خودشان پیشنهاد دادند که اخلاق فضیلت چارچوب جامع‌تری برای درک ارتباط بین استدلال اخلاقی و عمل فراهم می‌کند. به اعتقاد آنها همیشه نمی‌توان اعمال را بر اساس اصول سفت و سخت به درست یا نادرست تقسیم کرد. در عوض، کیفیت اخلاقی اعمال به شخصیت فاعل اخلاقی بستگی دارد. واقع اعمال/اخلاقی عمیقاً با نیات اخلاقی عامل و ویژگی‌های شخصیتی زیربنایی، که جنبه مرکزی اخلاق فضیلت است، در ارتباط است. کار او اهمیت انگیزه اخلاقی و ایجاد یک شخصیت اخلاقی پایدار را برجسته می‌کند که می‌تواند اقدامات را به سمت خیر هدایت کند (Quinn, 1993). زگربسکی به طور قابل توجهی به اخلاق فضیلت، به ویژه در حوزه تعامل معرفت‌شناسی و اخلاق فضیلت کمک کرده است. او تلاقی اخلاق و معرفت‌شناسی را بررسی می‌کند و پیشنهاد می‌کند که فضایل معرفت‌شناختی برای

کسب دانش، محوری هستند. زگزیبسی فضیلت را به عنوان یک برتری اکتسابی عمیق و پایدار که شامل انگیزه‌های مشخص برای ایجاد یک هدف مطلوب و موفقیت قابل اعتماد در رسیدن به آن هدف است، تعریف می‌کند (Zagzebski, 1996). زگزیبسی در نظریه فضیلت‌مدار الگوگرا نوع جدیدی از نظریه اخلاقی را مطرح می‌کند که در آن اشخاص الگو اصلی‌ترین مؤلفه اخلاقی در نظر گرفته می‌شوند. این اندیشمند سعی می‌کند تا تمام مفاهیم مهم اخلاق از جمله نتیجه‌ی خوب و فعل صحیح را از راه ارجاع مستقیم به شخص الگوی خوب تعریف کند. یکی از مهم‌ترین پیامدهای این نظریه در پسینی دانستن گزاره‌های اخلاقی نهفته است که این امر سبب توجه ویژه این نظریه به اخلاق روایی می‌شود. زگزیبسی در این نظریه با تأکید بر نقش برجسته‌ی عواطف در حوزه‌ی اخلاق نشان می‌دهد که شخص الگوی خوب را باید از راه حس عاطفی تحسین و تمجید شناسایی کرد. او برای پیش‌برد این دیدگاه خود، عاطفه را ادراکی معرفی می‌کند که هم دارای حیث شناختی و هم دارای حیث گرایشی است. از آن‌جا که این نظریه بر کشش و جذابیت خوبی مبتنی است، می‌تواند بنیان جدیدی را برای اخلاق به ارمغان آورد و از همین جهت است که زگزیبسی این نظریه را برتر و موثرتر از نظریات دیگر اخلاقی به شمار می‌آورد (Shahriyari & Nawab, 2015). اخلاق فضیلت زگزیبسی بر مفهوم الگوهای اخلاقی متمرکز است - افرادی که فضایل را تا حد استثنایی تجسم می‌بخشند. در نظریه اخلاقی الگو(نمونه)گرا، او استدلال می‌کند که فضائل به بهترین شکل از طریق تقلید از افراد الگو(نمونه) فهم می‌شوند. این الگو(نمونه)ها به عنوان الگو(نمونه)های اولیه اخلاقی عمل می‌کنند و اقدامات آنها چهارچوبی عملی برای درک و پرورش فضائل فراهم می‌کند. زگزیبسی می‌نویسد: «الگو(نمونه)ها افرادی هستند که به خاطر خوبی‌هایشان مورد تحسین قرار می‌گیرند و فضیلت‌هایشان آن صفاتی است که آنها را قابل تحسین می‌کند» (Zagzebski, 2017, p. 23). علاوه بر فیلسوفان کلاسیک و مدرن غربی، فیلسوفان مسلمان نیز آرای قابل توجهی در باب اخلاق فضیلت دارند. آنها برای اخلاق گاه منشأ فطری و گاه منشأ اکتسابی بیان کرده‌اند که نظر علامه طباطبایی (ره) منشأ فکری را بر مبنای برخی آیات قرآن بیان می‌کند. البته ایشان در این نظر با خواجه نصیرالدین طوسی مشابهت دارد. در حالی که اکثر فیلسوفان مسلمان منشأ اخلاق را قوای نفس انسانی دانسته‌اند که در وجود هر انسانی قرار داشته و همان منشأ رفتار او می‌شود (Ramazani, 2008, p. 345). علامه طباطبایی (ره) از فیلسوفان برجسته مسلمانی است که درباره اخلاق فضیلت، فضائل و رذائل اخلاقی و آراستن یا دوری جستن، و نیز پشتوانه آنها مباحث مفصلی دارد. او با تأکید بر رشد هماهنگ قوای نفس و محوریت هدایت الهی، چهارچوبی جامع برای شناخت فضایل اخلاقی و نقش آنها در دستیابی به کمالات انسانی ارائه می‌کند. اخلاق فضیلت بیان‌شده توسط علامه طباطبایی (ره) ریشه در جهان بینی قرآنی وی دارد که در آن روح انسان به عنوان موجودی دارای قابلیت فضیلت و رذیلت تصویر می‌شود. ایشان با استناد به آیات قرآنی مانند سوره شمس، استدلال می‌کند که خداوند روح انسان را با آگاهی ذاتی از حق و باطل آغشته کرده است. بنابراین، فضائل بر ساخته‌های دلخواه نیستند، بلکه با خلق و خوی فطری انسان همسو هستند (Tabatabaee, 1972-1980, Vol. 20). ایشان فضایل را صفاتی می‌دانند که ابعاد مختلف روح انسان را هماهنگ می‌کند: عقل، شهوت و غضب. همچنین بیان می‌کند که فضایل اخلاقی زمانی پدید می‌آیند که این قوا در تعادل باشند. به عنوان مثال، شجاعت نشان دهنده تنظیم صحیح خشم است، در حالی که عفت ناشی از اعتدال میل است. عدالت (عدل)، که علامه طباطبایی (ره) آن را اوج فضایل می‌داند، تضمین می‌کند که همه قوا تحت هدایت عقل با هماهنگی عمل کنند (Tabatabaee, 1972-1980, Vol. 4). از نظر طباطبایی هدف نهایی زندگی انسان رسیدن به کمال معنوی است که آن را قرب الهی تعریف می‌کند. این سفر مستلزم پرورش فضایی است که روح را تهذیب و با صفات الهی همسو می‌کند. او با استناد به سوره انسان، توضیح می‌دهد که انسان‌ها دارای ظرفیت خیر و شر آفریده شده‌اند و فضایل اخلاقی آنها را قادر می‌سازد تا از نظر روحی صعود کنند در حالی که رذایل باعث انحطاط می‌شوند (Tabatabaee, 1972-1980, Vol. 20). از فضائلی که طباطبایی بر آن تأکید دارد، تواضع، صبر و صدق است. وی در تفسیر سوره بقره نقش ایمان را به عنوان زیربنای همه فضایل برجسته می‌کند و خاطر نشان می‌کند که ایمان ظرفیت روح را برای رفتار اخلاقی تقویت می‌کند. او همچنین بر اهمیت نیت در تعیین ارزش اخلاقی اعمال، تأکید می‌کند. از نظر علامه طباطبایی (ره)، فضایل صرفاً رفتارهای بیرونی نیستند، بلکه بیانگر حالتی درونی از اخلاص به خدا هستند (Tabatabaee, 1972-1980, Vol. 1). ایشان رذایل اخلاقی را در مقابل فضایل، عدم تعادل

قوای نفس معرفی می‌کند. او اغلب به داستان‌های قرآنی مانند داستان‌های فرعون و قارون اشاره می‌کند تا نشان دهد که چگونه تکبر، حسد و حرص، روح را تباه می‌کند و به تباهی معنوی می‌انجامد. ایشان در تفسیر خود بر سوره/عراف بیان می‌کند که ردایل ناشی از غفلت از هدایت الهی حک شده در روح و تسلیم شدن در برابر امیال پست است (Tabatabaee, 1972-1980, Vol. 8) وی همچنین به پیامدهای روانی ردایل می‌پردازد و خاطرنشان می‌کند که این ردایل باعث ایجاد اختلاف درونی و مانع از سفر روح به سوی خدا می‌شود. به عنوان مثال، او سوره/اسراء را به عنوان هشدار در برابر غرور تفسیر می‌کند، که آن را حجابی توصیف می‌کند که روح را از وابستگی آن به فیض الهی کور می‌کند (Tabatabaee, 1972-1980, Vol. 13). هرچند در این پژوهش، سهم‌یاری‌ها و رهنمود کلی از رویکرد اخلاق فضیلت از مجموعه اندیشمندان این حوزه برداشت می‌شود؛ اما از میان آن‌ها بیشترین کاربردها از مباحث زگزبسیکی و علامه طباطبائی (ره) است.

ب. تعارض منافع

پژوهش‌ها و مطالعات متعدد و بسیار ارزشمندی با موضوع تعارض منافع انجام شده است. در این مطالعات، انواع گوناگونی از تعاریف، رویکردها و دسته‌بندی‌ها در مورد این مفهوم وجود دارد (Jafarinia et al., 2022) اما وجود تعاریف متعدد از مفهوم «تعارض منافع»، پیچیدگی‌های فراوانی را به همراه داشته است که می‌تواند مانع از تلاش‌های علمی برای رسیدگی به این مسئله می‌شود. (Abbasi & Atarodi, 2024) از سویی دیگر مادامی که تعریف مشخص و دقیقی از تعارض منافع بیان نشود نمی‌توان ادراک صحیحی از این موقعیت‌ها پیدا کرد (Di Carlo & Testarmata, 2011) بنابراین نیاز است قرارداد شود که تنها یکی از این تعاریف که به نظر تعریف دقیق و روشنی است؛ مبنای پژوهش حاضر باشد. این مفهوم می‌تواند به نحوی تعریف شود که حدود و ثغور مشخصی نداشته باشد و به ابهام، نسبیّت و صرفاً ماهیت بالقوه پدیده تعارض منافع اشاره کند (Friedberg, 2012) در واقع نکته مذکور در اصل از ماهیت این مفهوم نشئت می‌گیرد. از طرفی اگر تعارض منافع خیلی وسیع در نظر گرفته شود مفهوم آن از کارکرد ویژه خود خارج می‌شود مانند اینکه موقعیت قبل از رشوه و به صورت کلی قائل باشیم که قبل از وقوع هر نوع فسادی الزاماً یک موقعیت تعارض منافع وجود داشته است (Davis, 2012). پژوهشی نسبتاً جامع در مورد پژوهش‌های حوزه تعارض منافع انجام داده و یک سنخ‌شناسی از تعاریف تعارض منافع نیز ارائه کرده‌اند (Jafarinia et al., 2022) اما تعریف، گونه‌شناسی و چهارچوب نظری جدیدی نیز بر پایه استقراء از طریق بررسی موارد واقعی تعارض منافع و احصاء ارکان اصلی تشکیل دهنده تعارض منافع ارائه شده است. طبق این تعریف جدید؛ «تعارض منافع در نظام حکمرانی به موقعیتی گفته می‌شود که در آن یک مقام دولتی در نقش‌های سازمانی خود، هنگام اعمال اراده یا تصمیم‌گیری‌های احتمالی در آینده، در مورد موضوعاتی که در حیطه‌ی وظایف اوست، بر سر دوراهی انتخاب بین منافع به‌جا و نابه‌جا قرار گیرد» (Abbasi & Atarodi, 2024) تعریف مبنای پژوهش حاضر هم همین تعریف اخیر است. اما باتوجه به موضوع پژوهش حاضر، نیاز است در اینجا به وجهه اخلاقی بحث تعارض منافع نیز اشاره کرد. تعارض منافع یک موضوع اخلاقی مهم در حوزه‌های مختلف مانند پزشکی، تجارت، قانون و سیاست عمومی است. زمانی به وجود می‌آید که یک فرد یا سازمان درگیر منافع متعددی باشد که یکی از آنها می‌تواند انگیزه عمل در دیگری را مخدوش کند. این وضعیت باعث ایجاد دوراهی‌های اخلاقی می‌شود زیرا منافع شخصی یا مالی ممکن است قضاوت حرفه‌ای را به خطر بیندازد. اندیشمندان مختلف در مورد مسائل اخلاقی تعارض منافع اظهار نظر کرده‌اند همان‌طور که در قسمت قبل هم مطرح شد به عنوان یک مثال پیترز (۲۰۱۲) تاکید می‌کند که مدیریت تعارض منافع نه تنها شامل اقدامات قانونی و سیاستی بلکه شامل هنجارهای اخلاقی و تغییرات فرهنگی در سازمان‌ها نیز می‌شود. همچنین اندیشمندانی چون (Davis, 2018; Loebke, 1987; Sah et al., 2018; DeCarlo, 2013; McLean, 2013; DeCarlo & Testarmata, 2011; Demke & Henokl, 2007) هر یک از وجوه مختلف یا در زمینه‌های مختلفی به ابعاد و ملاحظات اخلاقی تعارض منافع پرداخته‌اند. برای شناخت بیشتر تعارض منافع و عینیت آن در بخش عمومی، می‌توان از طریق اشکال و انواع آن به ادراک واقعی‌تر دست یافت. به همین منظور جدول ذیل؛ در اینجا مطرح می‌شود.

جدول ۱. انواع و اشکال تعارض منافع (Morattab et al, 2020)

منشاء بروز تعارض منافع	توضیح مختصر	عوامل اصلی بروز اشکال تعارض منافع	اشکال تعارض منافع
ناشی از ساختار و قواعد	صرف نظر از هر مقام دولتی، هر شخصی در این حالت در موقعیت تعارض منافع قرار خواهد گرفت، چرا که منافع از قبل وجود داشته است.	وجود عواملی ساختاری که ایجادکننده موقعیت تعارض منافع هستند: قوانین فرآیندها رویه‌ها ساختار و چارت سازمانی	اتحاد قاعده‌گذار و مجری اتحاد ناظر و منظور تعارض درآمد و وظایف تعارض وظایف با وظایف امضای طلایی (انحصار) برخورداری از اطلاعات نهانی
ناشی از ویژگی‌ها یا کنش‌های مقام دولتی	با تغییر و جابه‌جایی آن مقام دولتی که در تعارض منافع است، این موقعیت از بین می‌رود	کنش یا ویژگی‌های مقام دولتی مانند: پذیرش هدیه درب‌های گردان فعالیت شغلی ثانویه روابط سیاسی، دوستی، خویشاوندی، قومی و... تابعیت مضاعف	حاصل اثرگذاری کنش‌ها یا ویژگی‌های فردی در هر یک از موقعیت‌های تصمیم‌گیری، تصمیم‌سازی یا نظارتی مانند: اثرگذاری فعالیت شغلی ثانویه در تصمیم‌گیری، تصمیم‌سازی یا نظارت

مدیریت تعارض منافع فرآیندی است برای شناسایی، رسیدگی و کاهش موقعیت‌هایی که منافع شخصی ممکن است با مسئولیت‌های حرفه‌ای یا منافع ذینفعان تداخل کند (Peters & Handschin, 2012). اما به نظر می‌رسد در لایحه نحوه مدیریت تعارض منافع در انجام وظایف قانونی و ارائه خدمات عمومی (۱۳۹۶)، تعریف بهتری مطرح شده است. طبق این تعریف مدیریت تعارض منافع عبارت است از «کلیه تصمیمات، تدابیر و اقدامات لازم اعم از اداری، نظارتی، قضایی و شبه قضایی، که به موجب قوانین و مقررات برای پیشگیری یا رفع یا کاهش تأثیرات سوء موقعیت‌های تعارض منافع اتخاذ می‌شود».

روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش از روش‌شناسی دلالت‌پژوهی (Danaei-Fard, 2016) الهام گرفته شده است. در روش‌شناسی دلالت‌پژوهی گام‌هایی مطرح می‌شود ولی این گام‌ها غیرقابل برگشت‌پذیر و خطی کامل نیست؛ بلکه مدام بین مراحل رفت و آمد می‌شود. این روش دارای مراحل است که در این پژوهش طی شده است. در ادامه مراحل انجام‌شده بیان می‌شود.

۱. تعیین مناسب بودن پژوهش دلالت‌پژوهی

این روش، مناسب پژوهش‌هایی است که در آن هدف پژوهشگر آن است که از یک رشته، مکتب، فلسفه، چارچوب، نظریه، مدل، یا یک ایده عام و بعضاً خاص؛ رهنمودهایی برای رشته یا حوزه یا موضوع مطالعاتی خود احصا کند. بنابراین در پی انجام پژوهش تجربی (تبیین، فهم، واکاوی) نیست. چون هدف آن دلالت‌پژوهی است. پس به نظر می‌رسد در مواردی خاص که پژوهشگر در پی کسب دانش عاریه‌ای است، مناسب است (Ibid) پژوهش حاضر از آن جهت که قصد دارد رهنمودها و دلالت‌هایی را از فلسفه اخلاق فصولیت برای تعارض منافع احصا کرده و ارائه کند کاملاً مناسب بوده و منطبق با این مرحله از روش‌شناسی است.

۲. تعیین مأخذ احصا دلالت‌ها برای پرداختن به مسئله پژوهشی

در روش‌شناسی دلالت‌پژوهی معمولاً یک مأخذ صادرکننده (قرض‌دهنده) ایده و یک مأخذ واردکننده (قرض‌گیرنده) ایده وجود دارد (Ibid) در این پژوهش تعارض منافع در پی کسب رهنمودهایی از فلسفه اخلاق فصولیت است بنابراین با توجه به ادبیات مبدع این روش‌شناسی؛ تعارض منافع واردکننده یا قرض‌گیرنده و فلسفه اخلاق صادرکننده یا قرض‌دهنده عنوان خواهند شد.

۳. تعیین فرآیند برای واکاوی ابژه منتخب

شناسایی و تعیین یک فرآیند موقتی اولیه در مطالعه دلالت پژوهی ضروری است. ممکن است فرآیند در حین مطالعه تغییر کند ولی تصویر فرآیندی از مراحل پژوهش نیاز است که این فرآیند اولیه در مراحل همین دلالت‌پژوهی بیان شده است.

۴. تعیین چهارچوب مفهومی موضوع دلالت پژوهی

نخستین سؤالی که برای پژوهشگر دلالت‌یاب مطرح می‌شود آن است که دلالت‌های ایده‌های کلیدی بر چه موضوعاتی است؟ در چنین حالتی یکی از مسیرهای انتخابی پژوهشگر رویکرد تلفیقی است که در این رویکرد پژوهشگر یک چهارچوب مفهومی برای استقراض ایده‌های قرض‌دهنده تدوین می‌کند و از طرفی اجازه ظهور برایشی به دلالت‌های مناسب قرض‌دهنده را می‌دهد (Ibid). با توجه به اینکه در مقاله‌ای با عنوان «تعارض منافع به مثابه موقعیتی مسئله‌ساز در نظام حکمرانی؛ ارائه چهارچوب نظری نوین» (Abbasi & Atarodi, 2024) چهارچوبی برای تعارض منافع مطرح شده است لذا این مرحله از روش به صورت کامل انجام شده و در دسترس است. در این چهارچوب مفهومی علاوه بر تعریف، ارکان، انواع و مصادیق تعارض منافع؛ ویژگی‌هایی نیز برای این موقعیت‌ها مطرح شده است. برخی از موارد مذکور در قسمت‌های قبلی مقاله حاضر، مطرح شد.

۵. نمونه‌گیری نظری ابژه دلالت پژوهی

اگر چه نظریه‌پردازان و پژوهشگران دلالت‌پژوهی می‌توانند از انواع متعددی از داده‌ها استفاده کنند، اما بسیاری از آن‌ها به بهترین وجه به متون تحریرشده اتکا می‌کنند (Danaei-Fard, 2016). به هر حال، هر پژوهشگری که متون را ابزار کسب دلالت‌های خود انتخاب می‌کند، بی‌تردید دست به نمونه‌گیری می‌زند ولی ممکن است از ذکر واژه نمونه‌گیری اجتناب کند. بی‌تردید نمونه‌گیری در این قبیل پژوهش‌ها مانند سایر پژوهش‌های کیفی هدفمند است، یعنی پژوهشگر دنبال تعمیم‌پذیری آماری متداول در پژوهش‌های کمی نیست. از این رو متونی انتخاب می‌کند که به تئوریزه کردن دلالت‌های مورد نظر کمک کند (Ibid) متونی که پژوهشگر به عنوان نمونه بررسی کرده است در قسمت مرور ادبیات و نیز مآخذ قابل رؤیت است. البته همان‌طور که بیان شد از میان آنها نظرات زگزینگی و علامه طباطبایی (ره) بیشتر مدنظر قرار گرفت.

۶. احصاء سهم‌یاری‌های ابژه دلالت‌پژوهی

سؤال کلیدی مهم در این مرحله دلالت پژوهی آن است که این فلسفه _ در اینجا فلسفه اخلاق فضیلت _ چه حرفی برای حوزه یا موضوع مطالعاتی _ در اینجا تعارض منافع _ دارد؟ در این جا به دو نوع کلی سهم‌یاری‌ها اشاره می‌شود که عبارت‌اند از: اول پرورش فضائل اخلاقی و دوم الگوگرایی. این دو نوع کلی در قسمت یافته‌های پژوهش مفصلاً مطرح خواهد شد.

۷. متناسب‌سازی سهم‌یاری‌ها با چهارچوب مفهومی موضوع دلالت پژوهی

باتوجه به سهم‌یاری‌های مآخذ مورد استقراض و وجود چهارچوب مفهومی از مآخذ دریافت‌کننده استقراض، باید نوعی انطباق بین آن دو صورت گیرد. این حالت رویکرد نظام‌مند در دلالت‌پژوهی است (Ibid) بنابراین جدولی را برای انطباق سهم‌یاری‌های فلسفه اخلاق فضیلت و عناصر چهارچوب مفهومی تعارض منافع را می‌توان ترسیم نمود:

جدول ۲. پیوند سهم‌یاری‌های اخلاق فضیلت با چهارچوب مفهومی تعارض منافع

عناصر چهارچوب سهم‌یاری‌ها	کارگزاران دولتی	منافع به‌جا و منافع نابه‌جا	موقعیت‌محور بودن	اشکال تعارض منافع ناشی از فرد و ساختار
فضائل اخلاقی (در برابر رذائل)	پرورش فضائل اخلاقی کارگزاران	نقش فضائل در ترجیح منافع به‌جا بر منافع نابه‌جا	نقش فضائل در موقعیت‌های بروز تعارض منافع	مدیریت اشکال فردی با پرورش فضائل و اشکال ساختاری با توجه به آن‌ها
الگوگرایی (با توجه به روایت‌ها)	الگوهای موفق کارگزاران	الگوهای ترجیح منافع به‌جا بر منافع نابه‌جا	الگوگرایی در موقعیت‌های پرتکرار	الگوهای مدیریت در اشکال فردی و ساختاری

۸. احصاء دلالت‌های مورد نظر

احصای دلالت‌ها در دو حالت امکان دارد. دلالت‌هایی که برای اولین بار توسط پژوهشگر احصا می‌شود و دلالت‌هایی که ممکن است به وسیله پژوهشگر قبض و بسط یا تدقیق شود. در حالت اول امکان دارد، دلالت‌پژوهی برای نخستین بار روی موضوعی خاص انجام شود. در این حالت همه دلالت‌های احصایی صیغه نوآوری دارد ولی بعضاً ممکن است تعدادی از پژوهش‌های دلالت‌پژوهی در مورد موضوعی انجام شده باشد، و پژوهشگر با گردآوری، تجمیع، اصلاح یا بازنگری مجموعه‌ای از دلالت‌ها را احصا کند. در این پژوهش برای اولین بار است که صراحتاً دلالت‌هایی از اخلاق فضیلت برای تعارض منافع به این شکل احصا شده است. بنابراین از این جهت می‌توان گفت که همه دلالت‌ها از نوع اول است. اما از جهت دیگر همانطور که در مرور ادبیات هم مطرح شد برخی اندیشمندان به ابعاد اخلاقی تعارض منافع پرداخته‌اند و در آن به صورت طبیعی به برخی فضائل اخلاقی مؤثر در تعارض منافع نیز اشاره داشته‌اند. بنابراین دلالت‌های احصاشده‌ی دسته اول که ناظر به فضائل کاربردی است؛ کامل‌تر و نیز اثر آن‌ها تدقیق شده‌است. اما دسته دوم دلالت‌ها که ناظر به الگوگرایی فضیلت‌مدار است برای اولین بار به این شکل احصا شده است.

۹. اعتبارسنجی دلالت‌های احصایی

اعتبار دلالت‌های احصایی برای مقاله‌های ارسالی به فصلنامه علمی از طریق مرور همتا تعیین می‌شود. منطق دلالت‌ها از یک طرف و استحکام استنادی دلالت‌ها می‌تواند در تعیین اعتبار دلالت‌ها بسیار تعیین‌کننده باشد (Ibid) ارسال این مقاله به فصلنامه و انتشار آن منجر به اعتبارسنجی می‌شود.

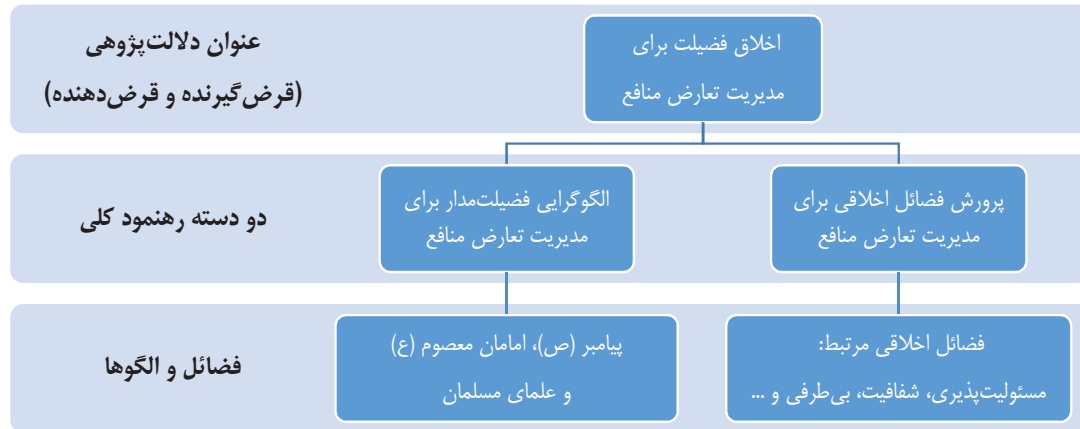
۱۰. تدوین گزارش پژوهش

نگارش این مقاله همان تدوین گزارش پژوهش و مرحله آخر بیان‌شده در این روش است.

یافته‌های پژوهش؛ رهنمودها

چهارچوب کلی که بر مبنای آن دو دسته رهنمود مطرح می‌شود همان چهارچوب فلسفه اخلاق فضیلت است. همان‌طور که در مرور ادبیات هم به صورت تفصیلی گذشت؛ در این دیدگاه اخلاقی، آنچه اهمیت دارد مجموعه‌ی فضائل و رذائل اخلاقی افراد است که در مجموع، «شخصیت» فرد را می‌سازد. بنابراین مهم‌ترین ارتباط و وجه اشتراک دو دسته رهنمود، نگاه فضیلت‌گرا در فلسفه اخلاق است. به بیان دیگر پرورش فضائل اخلاقی در افراد می‌تواند شخصیت‌هایی فضیلت‌مدار را تربیت کند که از این شخصیت‌ها می‌توان الگو گرفت و آن‌ها را ترویج کرد. این پرورش فضائل و نیز الگوگرایی از چنین شخصیت‌های فضیلت‌مدار در مدیریت تعارض منافع خصوصاً از حیث مراقبت‌های درونی بسیار کاربردی است. یکی از سهم‌یاری‌ها یا رهنمودهای کلی اخلاق فضیلت برای مدیریت تعارض منافع آن است که افراد را تشویق به پرورش فضائل اخلاقی می‌کند. این رهنمود کلی را از تمامی اندیشمندان این حوزه می‌توان احصا کرد. اما سهم‌یاری و رهنمود کلی دوم که بیشتر متأثر از نگاه زگربسکی است را می‌توان الگوگرایی دانست.

این دو نکته کلیدی در جدول ۲ هم مطرح شد همچنین در شکل ذیل، تلاش شده است یک دسته‌بندی از این رهنمودها ترسیم شود.



شکل ۱. دسته‌بندی رهنمودهای اخلاق فضیلت برای مدیریت تعارض منافع

الف. رهنمود دسته اول؛ فضائل اخلاقی کاربردی برای مدیریت تعارض منافع

چهار دلالت مطرح‌شده ذیل رهنمود دسته اول یعنی پرورش فضائل اخلاقی کارگزاران، نقش فضائل در ترجیح منافع به‌جا بر منافع نابه‌جا، نقش فضائل در موقعیت‌های بروز تعارض منافع و مدیریت اشکال فردی و ساختاری در مطالب ذیل فضائل مختلف بیان می‌شود.

فضائل اخلاقی احصاشده از میان فضائل شناخته‌شده

۱. صداقت

صداقت اساس رفتار اخلاقی در مدیریت تعارض منافع است. این امر مستلزم سازگاری بین اعمال و اصول اخلاقی فرد است، حتی زمانی که با منافع متعارض روبرو می‌شود صداقت به عنوان فضیلتی معرفی می‌شود که افراد را قادر می‌سازد سلامت اخلاقی را در موقعیت‌های پیچیده حفظ کنند (MacIntyre, 1981, p. 204). صداقت تضمین می‌کند که افراد منافع عمومی را بر منافع شخصی یا سازمانی ترجیح دهند. برای نمونه علامه طباطبایی (ره) نیز صدق را به عنوان یک فضیلت اساسی قلمداد می‌کند. صداقت مستلزم آن است که افراد، صادقانه عمل کنند، که برای مدیریت مؤثر تعارض منافع ضروری است (Tabatabaee, 1972–1980, Vol.1 p. 45) همچنین صدق یک صفت الهی است که افعال انسان را با اراده الهی همسو می‌کند و قوام اخلاقی را تضمین می‌کند. (Javadi Amoli, 2008, p. 112).

۲. حکمت یا عقل عملی^۱

عقل عملی برای اتخاذ تصمیمات حساس و در نظر گرفتن ملاحظات اخلاقی ضروری است (Aristotle, 2009, p. 114) در فلسفه اسلامی از حکمت به عنوان فضیلتی که علم و عمل را در هم می‌آمیزد، بحث می‌شود. حکمت افراد را قادر می‌سازد که در موقعیت‌های پیچیده، مانند مدیریت تعارض منافع، راه درست عمل را تشخیص دهند (Mesbah Yazdi, 1999, p. 78) همچنین نقش حکمت در رسیدن به تعادل و انصاف که برای حل تعارض منافع تعیین‌کننده است، نقشی مهم و اساسی است (Motahhari, 1985, p. 92).

1. Phronesis

۳. عدالت

عدالت به عنوان یک فضیلت مستلزم انصاف در تصمیم‌گیری است. عدالت افراد را ملزم می‌کند که به طور عادلانه با دیگران رفتار کنند و از طرفداری ناروا اجتناب کنند. (Rachels, 2003, p. 297) در مدیریت تعارض منافع، عدالت تضمین می‌کند که تصمیمات بدون تأثیر ناروا از منافع شخصی یا مالی اتخاذ شود. عدل یک فضیلت الهی است و عدالت در مدیریت تعارض منافع به معنای اولویت‌دادن به منافع مشترک و عمومی بر منافع فردی یا سازمانی است (Mesbah Yazdi, 1999, p. 65) عدل مظهر حکمت الهی است که هماهنگی و برابری را در تعاملات انسانی تضمین می‌کند (Javadi Amoli, 2008, p. 89) بنابراین می‌توان عدالت را فضیلتی مهم برای مدیریت تعارض منافع برشمرد.

۴. شجاعت

شجاعت یک فضیلت اخلاقی است که افراد را برای مقابله با چالش‌ها و رعایت اصول اخلاقی توانمند می‌سازد (Motahhari, 1980, p. 102). به عبارتی افراد را قادر می‌سازد در برابر فشارهایی که ممکن است منجر به تصمیمات غیراخلاقی شود مقاومت کنند. در مدیریت تعارض منافع، شجاعت به افراد اجازه می‌دهد تا تعارضات را افشا کنند و بی‌طرفانه عمل کنند، حتی زمانی که انجام این کار دشوار است.

۵. فروتنی یا تواضع

تواضع، فضیلتی است که خودآگاهی و رشد اخلاقی را پرورش می‌دهد (Javadi Amoli, 2008, p. 76) این فضیلت، شامل شناخت محدودیت‌های خود و جستجوی راهنمایی در صورت لزوم است. فروتنی یک فضیلت فکری کلیدی است که از اعتماد به نفس بیش از حد جلوگیری می‌کند و بازبودن به دیدگاه‌های دیگران را تشویق می‌کند (Zagzebski, 1996). بنابراین در مدیریت تعارض منافع، فروتنی به افراد کمک می‌کند تا تعصبات بالقوه را بشناسند و به دنبال راه‌حل‌های مشترک باشند.

۶. شفقت یا رحمت

شفقت یا رحمت شامل همدلی و توجه به رفاه دیگران است. شفقت یک صفت الهی که رفتار انسان را هدایت می‌کند. (Tabatabaee, 1972–1980, Vol.1 p. 58). در مدیریت تعارض منافع، شفقت تضمین می‌کند که تصمیمات، رفاه عموم، مانند بیماران، مشتریان، یا عامه مردم را در اولویت قرار می‌دهد.

۷. مسئولیت‌پذیری

مسئولیت‌پذیری فضیلت پذیرفتن مسئولیت اعمال خود است. این فضیلت افراد را ملزم می‌کند که در قبال تصمیمات خود پاسخگو باشند (Mesbah Yazdi, 1999, p. 82) در مدیریت تعارض منافع، پاسخگویی و قابل اعتماد بودن را تضمین می‌کند.

۸. امانت یا اعتماد

امانت‌داری یک فضیلت محوری در اخلاق است. امانت، انجام وظایف را به نحو وفادارانه و صادقانه تضمین می‌کند (Tabatabaee, 1972–1980, Vol.4 p. 67). در مدیریت تعارض منافع، اعتماد یک عنصر کلیدی است که کاملاً مرتبط با امانت‌داری است. افراد باید در راستای منافع عمومی عمل کنند و از اقداماتی که می‌تواند اعتماد را تضعیف کند اجتناب کنند.

۹. خودکنترلی، خویشتن‌داری یا عفت

خودکنترلی توانایی مقاومت در برابر وسوسه‌ها و حفظ نظم و انضباط اخلاقی است. عفت به‌عنوان فضیلتی است که افراد را از تسلیم شدن در برابر امیال شخصی باز می‌دارد (Mesbah Yazdi, 1999, p 74) در مدیریت تعارض منافع، خویشتن‌داری به افراد کمک می‌کند از اقداماتی که می‌تواند سلامت کاری آن‌ها را به خطر بیندازد اجتناب کنند.

۱۰. سخاوت، کرم یا بخشندگی

سخاوت یا کرم، شامل تمایل به اولویت‌دادن به نیازهای دیگران بر منافع شخصی است. کرم فضیلتی است که نوع‌دوستی و تصمیم‌گیری اخلاقی را تقویت می‌کند (Motahhari, 1985, p88). در مدیریت تعارض منافع، سخاوت تضمین می‌کند که افراد منافع عمومی و دیگران را بر منافع فردی ترجیح دهند.

۱۱. صبر، حلم یا بردباری

صبر، توانایی تحمل مشکلات در عین حفظ پایداری‌های اخلاقی است. صبر، فضیلتی است که شخصیت اخلاقی را تقویت می‌کند و افراد را قادر می‌سازد تا در چالش‌ها بدون به خطر انداختن اصول خود از آن‌ها عبور کنند (Tabatabaee, 1972-1980, Vol.20 p. 72). در مدیریت تعارض منافع، صبر به افراد کمک می‌کند تا در حفظ استانداردهای اخلاقی ثابت قدم بمانند.

فوائد اخلاقی کمتر شناخته‌شده کاربردی برای سیاست‌گذاری تعارض منافع

۱۲. شفافیت

شفافیت در دسترس‌بودن اطلاعات یک بازیگر است که اجازه می‌دهد دیگران بر عملکرد آن نظارت داشته باشند. شفافیت دارای همان ویژگی نور است که توانایی آشکار کردن و دیدن را برای نظارت و بررسی می‌دهد بنابراین افزایش شفافیت موجب زمینه‌سازی برای نظارت بیشتر و دقیق‌تر شده و این مهم می‌تواند منجر به مدیریت مؤثرتر تعارض منافع شود. (Abbasi Kalash, Eivazlou, Soleimani, 2020) همچنین اتخاذ شفافیت افراد را تشویق می‌کند تا شخصیتی را که ریشه در صراحت و صداقت دارد، پرورش دهند، در نتیجه تصمیم‌گیری اخلاقی را تقویت کرده و اعتماد را در بین ذینفعان افزایش می‌دهد.

۱۳. بی‌طرفی

بی‌طرفی یک اصل کلیدی در اخلاق کاربردی است (Beauchamp and Childress, 2019) فضایی مانند بی‌طرفی عاداتی هستند که افراد را قادر می‌سازند در موقعیت‌های پیچیده، اخلاقی عمل کنند (Hursthouse and Pettigrove, 2018) بی‌طرفی فقط برای اجتناب از تعصب نیست، بلکه در مورد ترویج فعالانه انصاف است (Thompson, 2017) بی‌طرفی بدان معناست که فرد باید با همه طرفین به طور مساوی رفتار کند و تصمیمات را صرفاً بر اساس ماهیت پرونده، بدون جانبداری ناروا یا تعصب اتخاذ کند و بیشتر فرآیند تصمیم را مورد توجه قرار می‌دهد. برای اطمینان از اینکه تصمیمات بر اساس معیارهای عینی به جای منافع یا روابط شخصی اتخاذ می‌شود، ضروری است (Peters & Handschin, 2012). بی‌طرفی، مستلزم شفافیت و پاسخگویی است (Davis, 2018) و بدین ترتیب با فضائل دیگر نیز در ارتباط است.

۱۴. استقلال

استقلال به فقدان هر گونه ارتباط یا رابطه بین تصمیم گیرنده و سایر نهادهای دولتی به ویژه قوه مجریه اطلاق می‌شود. این نشان دهنده حالتی از عاری بودن از تأثیرات خارجی است که می‌تواند بر قضاوت فرد تأثیر بگذارد. استقلال بر جنبه‌های ساختاری

و رابطه‌ای است که به افراد اجازه می‌دهد بدون تعصب یا دخالت خارجی عمل کنند. این تضمین می‌کند که تصمیم‌گیرندگان تابع منافع بیرونی نیستند که می‌تواند توانایی آنها را برای اقدام در راستای منافع عمومی به خطر بیندازد. (Peters & Handschin, 2012). استقلال اساساً مربوط به عدم وجود تأثیرات و ارتباطات خارجی است، در حالی که بی‌طرفی در مورد عادلانه و عینی بودن فرآیند تصمیم‌گیری است. استقلال پیش‌نیاز بی‌طرفی است. شخص باید مستقل باشد تا واقعاً بی‌طرف باشد. با این حال، یک فرد می‌تواند مستقل باشد اما اگر اجازه دهد سوگیری‌های شخصی بر تصمیم‌هایش تأثیر بگذارد، باز هم بی‌طرف نباشد. استقلال اغلب در زمینه‌های قانونی و نظارتی مورد بحث قرار می‌گیرد که در آن فشارهای خارجی باید به حداقل برسد، در حالی که بی‌طرفی در زمینه عدالت در قضاوت و تصمیم‌گیری مرتبط تر است (Peters & Handschin, 2012).

ب. رهنمودهای دسته دوم؛ الگوگرایی فضیلت‌مدار برای سیاستگذاری تعارض منافع کارگزاران

زگزیسکی از جمله اندیشمندانی است که با نقد به رویکرد تحلیلی و تعریف مفاهیم اخلاقی در قالب تحلیل مفهومی، نظریه‌ی الگوگرایی را مطرح می‌کند (Shahriyari & Nawab, 2015). زگزیسکی معتقد است «مفاهیم بنیادی اخلاق بر الگوهای خوب اخلاقی استوارند» (Zagzebski, 2010, p. 51) «اوصاف، افعال و نتایج اخلاقی اشخاص از راه ارجاع و اشاره به شخص الگوی خوب تعریف می‌شوند» (Zagzebski, 2005, p. 358) ایشان معتقد است که معرفت اخلاقی از طریق ارجاع مستقیم به الگوها به دست می‌آید نه از طریق تعاریف یا قوانین. او می‌گوید: «ما فضیلت‌ها را با شناسایی افرادی که فضیلت‌مند هستند شناسایی می‌کنیم، و افراد بافضیلت را با اشاره مستقیم به کسانی که مورد تحسین‌شان قرار می‌دهیم شناسایی می‌کنیم» (Zagzebski, 2010, p. 45). زگزیسکی استدلال می‌کند که سنت‌های دینی اغلب منابع غنی از الگو (نمونه) های اخلاقی، مانند قدیسان یا پیامبران را فراهم می‌کنند، که الهام‌بخش رفتار بافضیلت هستند. به گفته زگزیسکی، «روایات و اعمال مذهبی می‌توانند با ارائه الگو(نمونه)هایی که آرمان‌های یک سنت خاص را تجسم می‌دهند، فضایل را پرورش دهند» (Zagzebski, 2005, p. 312). این نشان می‌دهد که دین می‌تواند با ارائه مدل‌هایی از فضیلت که افراد می‌توانند از آنها تقلید کنند، نقش مهمی در شکل‌دهی شخصیت اخلاقی ایفا کند. زیرا اغلب نمونه‌های خوبی در سنت‌های مذهبی وجود دارد که الهام‌بخش زندگی با فضیلت‌اند. همانطور که او در نظریه اخلاقی الگو(نمونه)‌گرا خلاصه می‌کند، «تقلید از الگو(نمونه)ها نه تنها راهی برای یادگیری فضائل است، بلکه راهی برای درک چیستی فضائل است» (Zagzebski, 2017, p. 56). بنابر دیدگاه زگزیسکی، یک دسته از رهنمودهای اخلاق فضیلت برای مدیریت تعارض منافع، الگوگرایی از دین و روایت‌هاست که در اینجا دین اسلام و در واقع الگوهای مسلمان مدنظر قرار می‌گیرد. بنابر این دلالت یا رهنمودهایی ذیل این دسته می‌توان برشمرد. البته روایت‌ها و موارد مطرح‌شده را بعضاً می‌توان ذیل موارد دیگر نیز عنوان کرد و با زاویه دیدی متفاوت، برداشت دیگری داشت.

الگوگرایی از کارگزاران موفق دولتی؛ امیرالمؤمنین علی (ع)

در جریان گم‌شدن و ربودن زره حضرت در زمان خلافت ایشان، علی (ع) از قضاوت در این پرونده خودداری کرده، و این مسئله را نزد قاضی شهر برده و با رعایت انصاف و پرهیز از هرگونه برداشت جانبداری، تصمیم را به این قاضی بی‌طرف واگذار کرد که از قضا قاضی هم به علت نداشتن شاهد حکم بر خلاف امیرالمؤمنین داد اما فرد مسیحی که بر اشتباه خود مطمئن بود پس از خروج از دادگاه زره را برگرداند (Majlesi, Vol. 9, p. 598) همچنین می‌توان به ندادن بیت‌المال نامشروع به برادرش عقیل (Majlesi, Vol. 9, p. 613) و نیز اسامه اشاره کرد در حالی که سهم بیت‌المال برای کسانی بود که در جهاد شرکت کرده باشند. (Ibn Abi al-Hadid, Vol. 4, p. 102)

الگوگرایی در ترجیح منافع به جا بر منافع نابه‌جا؛ امام کاظم (ع) و صفوان جمال

صفوان بن مهران شتران زیادی داشت که از کرایه دادن آنها، معیشت و زندگی خود را می‌گذراند و از همین جهت به او جمال می‌گفتند. نقل می‌کند که؛ روزی خدمت حضرت امام موسی کاظم (ع) رسیدم. آن حضرت (ع) به من فرمود: ای صفوان همه چیز تو خوب و نیکو است جز یک چیز. سؤال کردم: فدایت شوم آن چیست؟ امام (ع) فرمود: اینکه شتران خود را به این مرد (یعنی هارون خلیفه وقت) کرایه می‌دهی. عرض کردم: به خدا سوگند من از روی حرص و سیری و لهو چنین کاری نمی‌کنم. چون او به راه حج می‌رود، شتران خود را به او کرایه می‌دهم. خودم هم خدمت او را نمی‌کنم و همراهش نمی‌روم، بلکه غلام خود را همراه او می‌فرستم. فرمود: آیا از او کرایه طلب داری؟ گفتم: فدایت شوم. آری. امام (ع) فرمود: آیا دوست داری او باقی باشد تا باقی کرایه‌ات را به تو برسد؟ گفتم: آری. امام (ع) فرمود: کسی که دوست داشته باشد بقای آنها را، از آنان خواهد بود و هر کس از آنان (دشمنان خدا) باشد، جایگاهش جهنم خواهد بود. صفوان می‌گوید: بعد از این گفتگو با امام کاظم (ع)، تمامی شتران خود را فروختم. وقتی این خبر به هارون رسید، او مرا خواست و به من گفت: به من گزارش داده اند که تو شترهای خود را فروخته ای، چرا این کار را کرده ای؟ گفتم: آری فروختم. چون پیر و ناتوان شده‌ام و غلامانم از عهده این کار برنمی‌آیند. هارون عصبانی شد و گفت: هرگز هرگز می‌دانم که تو به اشاره موسی بن جعفر (ع) شتران خود را فروخته‌ای. (al-Kashshi, Vol. 2, p. 740, hadith 828)

الگوگرایی در موقعیت‌های پرتکرار

موقعیت قضاوت و داوری و نیز در مواجهه به خویشاوندان و دوستان از پرتکرارترین موقعیت‌های تعارض منافع است. الگوگرایی در این زمینه بسیار راهگشاست. به داستانی در این رابطه می‌توان اشاره کرد. قاطعیت پیامبر در اجرای حق قضیه دزدی زنی از قبیله بنی‌مخزوم که قریش برای او در صدد شفاعت نزد پیامبر آمدند ولی جرات ابراز سخن خود را نداشتند تا اینکه سعی کردند اسامه را که مورد علاقه پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) بود، واسطه صحبت با پیامبر و طلب شفاعت از وی قرار دادند. پیامبر از این کار بسیار خشمگین شد و به اسامه فرمود: «آیا درباره حدی از حدود الهی شفاعت می‌کنی؟» سپس خطبه‌ای به این مضمون برای مردم خواند: «همانا پیشینیان شما هلاک شدند زیرا اگر فردی بزرگ از ایشان دزدی می‌کرد رهایش می‌کردند و اگر فردی ضعیف دزدی می‌کرد بر وی حد جاری می‌کردند. سوگند به آنکه جانم به دست اوست اگر فاطمه دختر محمد دزدی کرده بود دست او را می‌بریدم. سپس قانون را درباره آن زن بنی‌مخزوم اجرا کرد» (Muslim, 1987, Vol. 11, p. 187; Bukhari, 1987, Vol. 8, p. 573).

الگوهای مدیریت اشکال تعارض منافع، فردی و ساختاری

داستان علامه حلی فقیه مبرز شیعه از این قرار است که روزی گربه‌ای در چاه خانه‌اش افتاد و مُرد و وی که در این زمینه فتوا نداشت می‌خواست به سراغ روایات برود و بر اساس اجتهاد خویش حکم تطهیر آب را بیابد. در مقدمه اما دستور داد ابتدا چاه خانه را پر کردند و چاه دیگری حفر کردند و بعد به تدبّر نشست و فتوی داد. وقتی علت را پرسیدند پاسخ داد که این کار را کردم تا اگر روایات مختلف بود، تحت تاثیر منافع خودم احیاناً روایت سهل تر را ترجیح دهم. نخست چاه خود را پر کرد بعد تصمیم گرفت. اقدام داوطلبانه و خودجوش برای بی‌طرف کردن خود در مقام صدور فتوا که به عبارتی دیگر همان مقام قضاوت و داوری است. (Motahhari, 1997, Vol. 4, p. 580).

جمع‌بندی

سؤال اصلی تحقیق این بود که دیدگاه فضیلت‌گرا در فلسفه اخلاق چه رهنمودها، یا به عبارتی کاربردها یا دلالت‌هایی برای سیاست‌گذاری تعارض منافع در بخش عمومی دارد؟ یافته‌های تحقیق نشان داد، باتوجه به نظریات اندیشمندان حوزه اخلاق فضیلت و تعارض منافع دودسته سهم‌یاری یا نکات کلیدی را می‌توان احصا کرد که عبارت‌اند از: فضائل اخلاقی و الگوگرایی. در گام بعدی

باتوجه عناصر چهارچوب نظری تعارض منافع و در تقاطع با سهم‌یاری‌های مذکور، دلالت‌ها یا رهنمودهایی بیان شد. این رهنمودها در دسته اول شامل ۱۴ فضیلت اخلاقی مؤثر در سیاستگذاری تعارض منافع بود که در پرورش فضائل اخلاقی کارگزاران، نقش فضائل در ترجیح منافع به‌جا بر منافع نابه‌جا، نقش فضائل در موقعیت‌های بروز تعارض منافع و نیز مدیریت اشکال فردی و ساختاری نمایان می‌شود. اما رهنمودها در دسته دوم شامل الگوهای موفق کارگزاران، الگوهای ترجیح منافع به‌جا بر منافع نابه‌جا، الگوگیری در موقعیت‌های پرتکرار و الگوهای مدیریت اشکال فردی و ساختاری بود. دستاورد تحقیق آن است که از طریق ارتباط فلسفه اخلاق فضیلت با تعارض منافع، زمینه‌سازی بسیار مناسبی برای سیاستگذاری مدیریت تعارض منافع در بخش عمومی انجام می‌شود. چراکه این تحقیق مشخص می‌کند که برای سیاستگذاری بهتر و مؤثرتر تعارض منافع در بخش عمومی، کارگزاران را باید به چه سمت و سویی سوق داد.

References

- 1- Abbasi, M., & Atarodi, M. R. (2024). Conflict of interest as a problematic situation in governance: Presenting a new theoretical framework. Iranian Journal of Public Administration Studies [In Persian]
- 2- Abbasi, M., & Atarodi, M. R. (2024). A theoretical framework of corruption in governance based on conflict-of-interest situations: A step toward new policy-making in anti-corruption. Danesh Siyasi, Imam Sadiq University. [In Persian]
- 3- Abbasi Kalash, M., Eyvazlou, H., & Soleimani, M. (2020). Identifying criteria of financial transparency for government officials. Strategic Management Thought, Imam Sadiq University. [In Persian]
- 4- Ambrose of Milan. (2001). On duties (I. J. Davidson, Trans.). St. Vladimir's Seminary Press. (Original work published 4th century CE)
- 5- Anscombe, G. E. M. (1958). Modern moral philosophy. Philosophy, 33(124), 1–19. <https://doi.org/10.1017/S0031819100037943>
- 6- Aquinas, T. (1947). Summa theologia (Fathers of the English Dominican Province, Trans.). Benziger Brothers. (Original work published 1265–1274 CE)
- 7- Aristotle. (2009). Nicomachean ethics (W. D. Ross, Trans.). Oxford University Press. (Original work published ca. 350 B.C.E.)
- 8- Beauchamp, T. L., & Childress, J. F. (2019). Principles of biomedical ethics (8th ed.). Oxford University Press.
- 9- Bokhari, M. ibn Ismā'il. (1987/1407 AH). Şahīḥ al-Bukhārī (Vol. 8). Beirut: Dār al-Qalam. [In Persian]
- 10- Danayi-Fard, H. (2016). Methodology of denotation studies in social sciences and humanities: Foundations, definitions, significance, approaches, and implementation stages. Methodology of Human Sciences, 22(86), 39–71. [In Persian]
- 11- Davis, M. (2012). Conflict of Interest. In Encyclopedia of Applied Ethics (Second ed., Vol. 1). <https://doi.org/10.1016/B978-0-12-373932-2.00075-2>
- 12- Davis, M. (2018). Ethics and the university (2nd ed.). Routledge.
- 13- Demmke, C., & Henökl, T. (2007). Managing conflicts of interest: Ethics rules and standards in the member states and the European institutions. European Institute of Public Administration (Ethics Series No. 3), 1–7.
- 14- Di Carlo, E. (2013). How much is really known about the meaning of the term “conflict of interest”? International Journal of Public Administration, 36(12), 884–896. <https://doi.org/10.1080/01900692.2013.798814>
- 15- Di Carlo, E., & Testamata, S. (2011). Defining directors' conflict of interests in codes of ethics. Corporate Board: Role, Duties and Composition, 7(1–2), 125–139.
- 16- Friedberg, E. (2012). Conflict of Interest from the Perspective of the Sociology of Organized Action. In Anne Peters & L. Handschin (Eds.), Conflict of Interest in Global, Public and Corporate Governance (pp. 39–53).
- 17- Hursthouse, R. (1999a). Natural goodness. Oxford University Press.
- 18- Hursthouse, R. (1999b). On virtue ethics. Oxford University Press.
- 19- Hursthouse, R., & Pettigrove, G. (2018). Virtue ethics. In E. N. Zalta (Ed.), The Stanford Encyclopedia of Philosophy (Winter 2018 ed.). Retrieved from <https://plato.stanford.edu/archives/win2018/entries/ethics-virtue/>
- 20- Hinman, L. M. (2023). Contemporary moral issues: Diversity and consensus (M. Gholami, Trans.). Tehran, Iran: Tarjoman Institute. (Original work published 2012). [In Persian]
- 21- Ibn Abi al-Ḥadīd, 'Abd al-Ḥamīd. (1984/1404 AH). Sharḥ Nahj al-balāgha (M. Abū al-Faḍl Ibrāhīm, Ed.). Qom: Āyatullāh Mar'ashī Najafī. [In Persian]
- 22- Javadi Amoli, A. (1999/1378). Thematic exegesis of the Qur'an. Qom: Islamic Publications Institute. [In Persian]
- 23- Luebbe, N. R. (1987). Conflict of interest as a moral category. Business & Professional Ethics Journal, 6(1), 66–81.
- 24- MacIntyre, A. (1981). After virtue: A study in moral theory. University of Notre Dame Press.
- 25- Majlesi, M. B. ibn Muḥammad Taqī, Mustarāhmī, H., Ghafari, A., Behbudi, M. B., Mişbāḥ Yazdī, M. T., Maḥmūdī, M. B., Khursān, M. M., et al. (2024/1403 AH). Biḥār al-anwār (111 vols.). Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī. [In Persian]
- 26- McLean, C., Assaly, A., & Mackenzie, S. (2013). Conflict of interest. In The professional practice handbook for dietitians in Alberta (pp. 1–11). College of Dietitians of Alberta.
- 27- Mesbāḥ Yazdī, M. T. (1999/1378). Teaching philosophy. Qom: Imam Khomeini Institute Publications. [In Persian]
- 28- Motahhari, M. (1980/1359). Man in the Qur'an. Tehran: Sadra. [In Persian]
- 29- Motahhari, M. (1985/1364). Divine justice. Tehran: Sadra. [In Persian]
- 30- Motahhari, M. (1997/1376). Collected works, Vol. 4. Tehran: Sadra. [In Persian]
- 31- Morattab, Y., Kashafinia, V., Abbasi, M., Vafsi, M., & Fallahian, M. (2021/1400). Conflict of interest in the public sector. Tehran: Transparency & Progress Press. [In Persian]
- 32- Muṣliḥ, M. (1987/1407 AH). Şahīḥ Muslim (Vol. 11). Beirut: Dār al-Kitāb al-'Arabī. [In Persian]
- 33- Peters, A. (2012). Conflict of interest as a cross-cutting problem of governance. In A. Peters & L. Handschin (Eds.), Conflict of interest in global, public, and corporate governance (pp. 15–38). Cambridge University Press.
- 34- Quinn, W. S. (1993). Morality and action. Cambridge University Press.

- 35- Rachels, J. (2014/1393). The elements of moral philosophy (M. Fathali & A. Āl-Buyeh, Trans.). Qom: Institute for Islamic Culture & Sciences. [In Persian]
- 36- Ramaḍānī, R. (2008/1387). The ethical views of Allameh Ṭabāṭabā'ī. Qom: Institute for Culture and Islamic Thought. [In Persian]
- 37- Sah, S. (2019). Understanding the (perverse) effects of disclosing conflicts of interest: A direct replication study. *Journal of Economic Psychology*, 75, Article 101200. <https://doi.org/10.1016/j.joep.2019.102002>
- 38- Sah, S., Loewenstein, G., & Cain, D. (2018). Insinuation anxiety: Concern that advice rejection will signal distrust after conflict of interest disclosures. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 45(7), 1099–1112. <https://doi.org/10.1177/0146167218818462>
- 39- Shahrīyari, S., & Nawab, M. H. (2015/1394). Zagzebski's exemplarist virtue theory. *Philosophy*, 13(1), 41–58. <https://doi.org/10.22059/jop.2015.56690> [In Persian]
- 40- Tabataba'i, M. H. (1975). *Al-Mīzān: Tafsīr al-Qur'ān* (R. Razavi, Trans.). Tehran, Iran: World Organization for Islamic Services. [In Persian]
- 41- Taylor, C. (1989). *Sources of the self: The making of the modern identity*. Harvard University Press.
- 42- Zagzebski, L. T. (1996). *Virtues of the mind: An inquiry into the nature of virtue and the ethical foundations of knowledge*. Cambridge University Press.
- 43- Zagzebski, L. (2005). Morality and religion. In W. J. Wainwright (Ed.), *The Oxford handbook of philosophy of religion* (pp. 310–333). Oxford University Press.
- 44- Zagzebski, L. (2010). Exemplarist virtue theory. *Metaphilosophy*, 41(1), 41–57. <https://doi.org/10.1111/j.1467-9973.2009.01627.x>
- 45- Zagzebski, L. (2017). *Exemplarist moral theory*. Oxford University Press. <https://doi.org/10.1093/acprof:oso/9780190655846.001.0001>